

به نام خدا



دانشگاه علامه طباطبائی

پژوهشی بر زندگی زرتشتیان مقیم محله یوسف‌آباد تهران

استاد راهنما: دکتر سبحان یحیایی

پژوهشگران: مریم پرهامی، لعلیا میرانی، محدثه رنجبر

زرتشتیان مقیم تهران عموماً در در محله های تهرانپارس، امیرآباد، و یوسف‌آباد به صورت متمرکز زندگی میکنند. ما در این تحقیق برای درک بهتر این جامعه به محله یوسف‌آباد رفته و بعد از کمی پرس و جو با یکی از معتمدین زرتشتیان این محل مصاحبه ای انجام دادیم .

به گفته ایشان تاریخچه محلیت و مرکزیت یافتن این محله متعلق به ۴۰-۵۰ سال پیش و به دست زرتشتیان بوده است. به طوری که به دلیل واقع شدن این محله روی تپه و وجود پستی و بلندی‌ها، خانه ها به صورت پراکنده وجود داشتند و مرکزیت داشتن امروزه را دارا نبود. به همین علت برخی زرتشتیان مقیم تهران، این مکان را پیدا کرده و شروع به ساخت خانه کردند و این کار به صورت دهان به دهان بین زرتشتیان چرخیده و به نوعی به یکی از محله های زرتشتی نشین تهران تبدیل شده.

عمده زرتشتیان تهران اصالت یزدی دارند ولی برخی هم اصالتی کرمانی و یا شیرازی دارند.

البته به گفته ایشان در سالهای اخیر تعداد زرتشتیان این محل کمتر شده و خلوص گذشته را دیگر از دست داده است.

ما از ایشان درباره مغازه ها یا فروشگاه‌های مختص زرتشتیان در این محل پرسیدیم و ایشان گفتند که به طور کل زرتشتی ها تعصبی در خرید از هم‌نوع خود ندارند به همین دلیل چنین مغازه های اختصاصی مانند یهودیان وجود ندارد. ولی در این مورد استثنایی وجود دارد. در معاملات سنگین مانند خرید و فروش ملک و ماشین و... به دلیل وجود اعتماد زرتشتیان به یکدیگر، عموماً هم‌نوع خود را موورد معامله قرار میدهند. که در پی آن معاملات املاکی ها و یا ماشین فروشی

ها و کسب و کارهایی از این قبیل در این منطقه برای زرتشتیان_نه صرفاً مختص به آنها_ وجود دارد.

سوال دیگر ما درباره مراکز مذهبی و در کل مراکزی مختص به جمع شدن زرتشتیان در این محله بود که ایشان در پاسخ به ما گفتند عموماً زرتشتیان یوسف آباد برای جمع شدن در تهران، به انجمن زرتشتیان و تشکده آذریان که تنها تشکده تهران می‌باشد می‌روند. و مرکز دیگری در این محله وجود ندارد مگر اینکه برخی افراد این جمع‌ها را در خانه‌های خود با دوستان و آشنایان خود ایجاد کنند.

بعد از این بحث، ما به برخی از سوالات فرهنگی پرداختیم. برای مثال یکی از تکالیف دین زرتشت این است که چهار روز در ماه (روزهای دوم و دوازدهم و چهاردهم هر ماه) گوشت نخورند. فلسفه این کار هم جلوگیری از شکار بی‌رویه حیوانات می‌باشد.

درباره ازدواجشان هم به این صورت است که در شرع هیچ مشکلی در ازدواج با غیر زرتشتی‌ها وجود ندارد ولی از نظر عرف کار غلطی است. به این صورت که اگر فردی با غیرزرتشتی ازدواج کند، به طور کامل هم از طرف خانواده و هم از طرف جامعه طرد می‌شود.

زرتشتیان سالن عروسی مختص به خود در نزدیکی انجمن زرتشتیان دارند و اگر کسی با غیر زرتشتی ازدواج کند حتی نمیتواند مراسم عروسی خود را در آن سالن عروسی مخصوص بگیرد.

زرتشتیان تهران فقط در انجمن زرتشتیان میتوانند به طور رسمی ازدواج کنند، که در خیابان جمهوری می‌باشد. ازدواج آنها به این صورت است که در مرحله اول

"گواه‌گیری" صورت می‌گیرد. و سپس در منظور عموم یک گواه‌گیری انجام می‌دهند. این گواه‌گیری در عموم مردم به اسم "عقد آریایی" معروف شده است. این مراسم با عقد مسلمانان برابر است. یکی از معروف ترین مراسم های ازدواج زرتشتیان به این صورت است که فردای عروسی، خواهر عروس یا داماد میبایست پای عروس و داماد را در یک کاسه پر از شیر و گل محمدی بشورد. بعد از این مراسم اقوام نزدیک به عروس و داماد هدیه می‌دهند.

سوال بعدی ما درباره مرگ و اعتقادات آنها به جهان پس از مرگ بود. زرتشتیان برای مردگان خود چند مراسم برای سوم، چهارم، دهه (که به "روزه" هم معروف است)، و سی ام و بعد هم سال. که این مراسم سالگرد تا سی سال ادامه پیدا میکند.

زرتشتیان معتقدند در روز چهارم بعد از مرگ، روان مرده در قبال اهورا مزدا پاسخگو خواهد بود. همچنین آنها هر ماه در همان روز فوت شخص تا ۱۳ ماه مراسم می‌گیرند که به این مراسم نیز روزه می‌گویند. همچنین آنها تا سی سال بعد از مرگ شخص برای او سالگرد می‌گیرند زیرا معتقدند روح آن فرد در خانه است و بعد از آن سی سال روان او به فروهر می‌پیوندد.

جشن سده همان جشن پیدایش آتش است که از عهد باستان تا کنون رواج داشته است. چون این جشن را در صدمین روز زمستان برگزار می کنند، آن را جشن «سده» می نامند. ایرانیان باستان، سال را به دو فصل تابستان بزرگ هفت ماهه و زمستان بزرگ پنج ماهه تقسیم می کردند. چون از روز اول آبان که زمستان بزرگ آغاز می شود تا دهم بهمن که روز برگزاری این جشن است صد روز می گذرد، این جشن را سده نامیدند. این روز از سال، زرتشتیان گرد هم می‌آیند تا با برافروختن آتش سرما و تاریکی را از زمین برانند و به استقبال نور، گرمی و روشنایی بروند. در خصوص وجه

تسمیه جشن سده روایت‌های مختلفی وجود دارد اما بر اساس رایج‌ترین آن‌ها، از اول آبان ماه تا ۱۰ بهمن ۱۰۰ روز است و صدمین روز زمستان بر اساس آیین زرتشتیان محسوب می‌شود. در روایتی دیگر، از روز ۱۰ بهمن تا نوروز ۵۰ روز و ۵۰ شب باقی مانده و به پاس رسیدن به روشنی و گرمی و مبارزه با اهریمن تاریکی، این روز گرمی داشته می‌شود. جشن سده سوزی در تهران در کوشک ورجاوند که متعلق به زرتشتیان است، برگزار می‌شود. این محوطه بزرگ با مساحت حدود ۱۰ هزار متر مربع، در ۱۶ کیلومتری جاده مخصوص کرج قرار دارد و در آن علاوه بر جشن سده، دیگر مراسم آیینی ایران مانند جشن تیرگان، مهرگان، سیزده به در و دیگر جشن‌ها برگزار می‌شود. اجرای موسیقی، شاهنامه خوانی و غیره از دیگر بخش‌های این جشن است. از سایر نقاطی که جشن سده در تهران در آن برگزار می‌شود می‌توان به مجتمع فرهنگی مارکار تهرانپارس اشاره کرد که در سال‌های گذشته با شرکت بیش از ۲۰۰۰ نفر، برنامه‌های شاد و متنوعی در کنار افروختن آتش برگزار شد و هر سال این آیین ادامه خواهد داشت.

اکثر این جشن‌ها در تهرانپارس و مکانی به نام «مارکار» برگزار می‌شود. جشن سده که در بهمن برگزار می‌شود و به مناسبت پیدایش آتش است هم قبلاً در دبستانی مخصوص زرتشتیان به نام «گیو» برگزار میشد ولی امروزه در مارکار برگزار می‌شود و آتشی بزرگ برپا می‌کنند و آن را جشن می‌گیرند.

مدرسه‌های زرتشتیان در یوسف آباد به طور خاص وجود ندارد و همه آنها اکثراً نزدیک خود انجمن زرتشتیان هستند.

مراکز آموزشی زرتشتیان مختص به دختران در تهران:

دبستان گیو، راهنمایی گشتاسب و دبیرستان انوشیروان دادگر، دبستان جمشید جم، راهنمایی رستم ابادیان، دبیرستان فیروز بهرام.

بیشتر مراکز آموزشی و خدماتی مختص به زرتشتیان در نزدیکی انجمن زرتشتیان است. البته ساکنین محله هایی که نزدیک انجمن هستند اکثراً زرتشتی نیستند و مرکزیت زرتشتیان در یوسف آباد و تهرانپارس است.

مزار از دنیا رفتگان زرتشتی در مکانی به نام قصر فیروز در نزدیکی افسریه قرار دارد. مراسم درگذشتگان زرتشتی به این صورت است که ابتدا او را می‌شورند سپس کفن می‌پنجند، بعد او را روی یک چیز فلزی برای حمل می‌گذارند و روی یک سطح سنگی در سالی بزرگ در قصر فیروزه می‌گذارند. افراد دور آن جمع می‌شوند و موبد برای او اوستا رو می‌خواند. آن سطح فلزی که متوفی روی آن قرار دارد یک ضامن دارد که آن را می‌شکند و شخص به داخل خاک می‌افتد. سپس دوباره اوستا می‌خوانند.

موبدان در آیین زرتشت تقریباً مثل مرجع تقلید هستند. برای رفع سوالات و ابهامات می‌توان به آنها مراجعه کرد. ولی جایگاه اجتماعی خاصی ندارند و فقط جایگاه مذهبی و دینی دارند.

در محله یوسف آباد تقریباً همه زرتشتیان ۸۰٪-۹۰٪ همدیگر را به خوبی می‌شناسند و با همدیگر ارتباط نزدیک خانوادگی و اجتماعی دارند. همچنین رابطه آنها صرفاً هم دینی نیست و اکثریت به غریب به گونه‌ای به هم مرتبط هستند و فامیل هستند.

ضوابط و مراسم اجتماعی خاص زرتشتیان

در آیین زرتشت هر روز از ماه یک اسم خاص دارد. زمانی که روز ماه و خود ماه در یک روز قرار می‌گیرند و هم اسم می‌شوند یک جشن برگزار می‌شود. مثلاً روز مهر از ماه مهر جشن مهرگان می‌شود یا روز فروردین از ماه فروردین جشن فروردینگان یا فرودگان می‌شود. فرودگ یا فروردینگان جشنی برای یادبود درگذشتگان بود و روان درگذشتگان را هم در شادی خود شرکت می‌دادند زیرا در دین زردشتی، آیین های سوگواری وجود ندارد و این مراسم به صورت جشن برگزار می‌شود. ماه فروردین، ماه فروهرها و فروردین به معنای فروهرها است. فَرَوَهَر (frawahr) یکی از نیروهای باطنی است که

قبل از پدید آمدن موجودات به عقیده ی مزدیسنان وجود داشته و فناپذیر و زوالی نیست و پس از مرگ و نابودی آنها، به عالم بالا رفته و پایدار می ماند. فروهر روح پاسبان آدمی است که پیش از تولد وجود دارد و پس از مرگ نیز باقی می ماند. فروهرها از یاوران نیروهای اهورایی به شمار می آیند و اهورامزدا را در نبرد با اهریمن یاری می کنند.

عقیده بر آن است که فروهرها در ماه فروردین به زمین فرود می آیند و به خانه های سابق خویش می روند ، بنابراین باید برای پیشواز آنان خانه را پاکیزه کنند، برای هدایت آنان آتش بیفروزند و در این روزها، بوهای خوش در آتش نهند و روان ها را ستایش کنند و اوستا بخوانند تا روان ها آسایش داشته باشند و با شادی و نشاط باشند و با رضایت خاطر به جای های خویش برگردند و خوبی بخواهند. جشن فروردینگان برای بزرگداشت فروهرها و در بعدی گسترده تر، برای بزرگداشت روان درگذشتگان با تشریفات خاصی برگزار می شد. در جشن فروردینگان زردشتیان سر مزار درگذشتگان خود (می روند و برای خشنودی روان ها عود و کندر آتش می زنند و گل و گیاه و میوه و شمع و لrk (مخلوطی از هفت میوه خشک خام از قبیل پسته خام، بادام خام، فندق خام، برگه، انجیر خشک، خرما، توت) بر سر مزار می گذارند. در جشن فروردینگان، لrk ها را در چادرشب هایی می ریزند و جلوی هفت موبدی که وارد می شوند، می گذارند. موبدان با شروع به اوستاخوانی و سرودهایی از فروردین یشت لrk را تبرک می کنند. سپس، موبدیاران چادرشب ها را به کمر می بندند و لrk را بین مردم تقسیم می کنند.

مردم در این روز نذری می دهند. در یزد زردشتیان از ساعت چهار بعدازظهر نوزدهم فروردین جشن فروردینگان را به طور مفصل برگزار می کنند ولی در تهران برگزاری جشن فروردینگان ساعت خاصی ندارد و هر زردشتی برای زیارت قبور هر ساعتی از روز مذکور که توانست، به قصر فیروزه می رود. فرودگان جشنیست برای یادبود درگذشتگان. زرتشتیان معتقدند قبل از عید نوروز روان درگذشتگان (زیر ۳۰ سال

درگذشت) به خانه‌ی افراد می‌آید و به همین دلیل افراد خانه تکانی می‌کنند و روز ۱۹ فروردین روح درگذشته از آن خانه می‌رود و در آن روز به مزار آن شخص می‌روند. یا در روز تیر از ماه تیر که ۱۰ام می‌شود. بعد از سال‌ها قحطی در گذشته در چنین روزی باران می‌آید و مردم این روز را جشن می‌گیرند. در آن روز بخصوص به هنگام باران یک رنگین کمان در آسمان شکل گرفته بوده که به رسم آن یک دستبند که به دستبند تیر و باد معروف است به دست خود می‌بندد. که شامل ۷ رنگ رنگین کمان است و نخی ابریشمی دارد و در روز تیر آن را به دست خود می‌بندند و در روز باد آن را از دست خود باز می‌کنند و به آب روان یا باد می‌سپارند که آرزویشان برآورده شود. اساساً این جشن با آرزوها و خاطرات افراد گره‌خورده است. داستان آیین دستبند تیر و باد این است که در روز جشن و بعد از خوردن شیرینی، همه افراد حاضر در جشن، دستبندی به نام تیر و باد به دست خود می‌بندند. این دستبند، از هفت ریسمان به رنگ‌های مختلف بافته شده است.

۹ روز بعد از برگزاری جشن، هر فرد به محلی مرتفع مانند پشت‌بام می‌رود و دستبند را از دست خود باز می‌کند. باید دستبند را در باد رها کنند و از او بخواهند که آرزوهایشان را با خود به همراه بیاورد.

در برخورد های اشخاص با هم در دین زرتشت در یک محله حتی بزرگ تر در گردهمایی ها آنچه کاملاً محسوس است این است که معمولاً با زبان دری صحبت میکنند همچنین به دلیل آشنایی ها و معمولاً وجود روابط فامیلی جویای حال یکدیگر و حتی همه اعضای خانواده دور و نزدیک هم میشوند.

معمولاً افراد با دین زرتشتی برای انجام معاملات حقیقی و حقوقی خود به افرادی با دین زرتشت مراجعه میکنند و اعتماد کردن به هم دین خود برایشان به مراتب رایج تر است که در این موضوع تجربیات مشترک آنها دخیل میباشد. نکته قابل تاکید در این مورد همان آشنایی دور و نزدیک آنها بایکدیگر است که با پیشنهاد هم به فرد معتمد از

زرتشتیان برای انجام اینگونه کارها وکالت میدهند. مثلا معاملات ملکی خود را به یک بنگاه املاک فردی که زرتشتی هست با اعتماد و اطمینان کامل نسبت به آن فرد میسپارند.

در ادامه از یک دختر زرتشتی سوال کردیم که به عنوان یک فرد با دین اقلیت چه تفاوت هایی را هنگام بزرگ شدن در جامعه متوجه شد؟

ایشون اینطور مطرح کرد که این تفاوت ها خیلی کم برایش برجسته شده بود و شاید یکی از دلیل هایش این بود که در بیشتر اوقات این موضوع زرتشتی بودن را مطرح نکرده بود. تنها جایی که خیلی متوجه این تمایز گذاشتن ها شده بود در دوران راهنمایی بود که این موضوع از طرف مدرسه مطرح میشد. با این حال که ایشون در مدرسه مختص برای زرتشتیان و اقلیت های دینی تحصیل کردند ولی باقی افراد با دین اسلام هم در آن مدرسه حضور داشتند ولی این موضوع در دو مدرسه جمشید جم و رستم آبادی اینگونه نیست و فقط زرتشتیان و عده ای از آرامنه و مسیحی میتوانند در این مدارس تحصیل کنند.

سوال بعدی این بود که کسیو میشناسی که زرتشتی بودنش را بروز داده و این موضوع باعث برخورد متفاوت از جامعه شده باشد ؟

اشون گفتن که ماجرای برای پدرشون در این باره اتفاق افتاده که همچنان بعد از گذشت سالها در پس ذهنشون و برداشتشون از جامعه باقی مونده. در دوران مدرسه مانع از استفاده ایشون از اب خوری میشدند چرا که ادعا داشتند زرتشتی ها نجس هستند نمونه این داستان برای مادر بزرگ ایشون اتفاق افتاده بود که در پارچه فروشی که برای خرید مکنّا – نوع لباس رسمی برای زرتشتیان – رفته بودن که فروشنده با فهمیدن این موضوع ایشونو نجس خطاب کرده بودند.

ولی در ادامه اضافه کردن که اون موضوع و تفاوت قایل با گذشت زمان و مخصوصا در تهران کمرنگ تر شده و همچنان در یزد به چشم میخوره ولی خب خیلی بهتر شده و مثلا عید ها اتشکده زرتشتی ها به شدت شلوغ که معمولا افراد غیر زرتشتی این جمعیت و تشکیل میدن.

درمورد ایین و نامگذاری کودکان هنگام تولد معمولا همان رسومات ایرانی ها مثلا یک تکه طلا برای دیدن بچه برده میشود همچنین بعد چله بچه و افتادن بند ناف برای بچه و خانواده اقوام مقداری غذا میبرند و خب به طور معمول نام ها براساس اسامی کهن ایرانی و ساسانی و از داخل خود اوستا انتخاب میشود و متاسفانه از طرف ثبت احوال بعضی نامها تایید نمیشوند.

در بحث ازدواج میتوان گفت برای اکثر زرتشتیان یکی از ملاک ها دین مشترک است مخصوصا از طرف بعضی خانواده ها که به اصطلاح سنتی تر هستند کاملا مانع وصلت میشوند و این مسئله ریشه در یک حافظه تاریخی دارد که حتی اگر شخصا ان را تجربه نکرده و با ان مواجه نشده باشند معمولا اکثر زرتشتیان از طرف اکثریت دینی ایران یعنی مسلمانان به لحاظ روانی ضربه خوردند و نوعی برداشت در انها وجود دارد که گویی زرتشتیان انسان های نیکوتری هستند در نتیجه همانطور که قبلا مطرح شد چه در معاملات خود و چه در امور دیگر مثل ازدواج زرتشتی بودن برای انها یک ملاک مهم تلقی میشود.

به طور کلی اگر بخواهیم از این پژوهش نتیجه گیری انجام دهیم، برآورد ما بر این بوده است که زرتشتیان تهران عموما در زندگی روزمره خود، خود را از غیرزرتشتیان جدا نمیکند به جز مسائلی خاص. همچنین این عدم وجود جدایی از جانب غیر زرتشتیان هم اعمال میشود.

